
Reading Iranian Architecture: In Search of a Comprehensive Model for Understanding the History of Iranian Architecture

Salman Noghrehkar^{1*}, Fatemeh Zarei Hajiabadi², Fatemeh Mohammad-Ganji³, Ahmad Danaeinia⁴

1. Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran.

2. MA in Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

3. MA in Architecture, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, University of Kashan, Kashan, Iran.

(Received 14 Apr 2018, Accepted 9 Aug 2018)

Understanding the invaluable history of Iranian architecture and utilizing its sustainable bases, principles and patterns can help us improve architecture both in the present and in the future. To understand Iranian architecture, it is essential that we can read it thoroughly and correctly; but before that, we need to have a comprehensive definition of it. So, the main question of this research is: How should we read Iranian architecture? And that question gives rise to two more questions: What is Iranian architecture? And why should we read it? To answer these questions, we first surveyed experts (in two groups: researchers and designers) for their viewpoints on Iranian architecture. The collected data were analyzed, categorized and codified in three groups: the *definition*, the *necessity* and the *method* of reading architecture. The findings are presented below as based on the three research questions:

1. What is Iranian architecture?

The resulting data were coded into five categories: architect, goal, material, form and context. In this step, based on the codes, we adapted Aristotle's theory of the "four causes of being" to develop a conceptual model of architecture including its four causes (material, formal, efficient and final) and its different types of contexts (natural, social and formal/physical). This model is aimed at finding an answer to the question "What is Iranian architecture?" and serves as a framework for the other two questions.

2. Why should we read the history of Iranian architecture?

The collected data about the necessity of reading architecture were coded into three categories: extracting the principles, exploring the patterns and utilizing those principles and patterns in contemporary architecture.

3. How should we read Iranian architecture?

By answering the previous two questions, we have approached the answer to the third question. Identifying the goals of reading and the relevant factors will guide us in reading architecture. To reach a practical method for reading architecture, we have drawn on our experiences in teaching university courses in architectural history as well as student activities. We will propose a five-stage reading process (description, analysis, criticism, instruction and practice) and three stages of reading (before, during and after visiting a building). Finally, we will present a checklist of the necessary activities for reading Iranian architecture and lay out the results of using the proposed reading method in five areas of architecture including education, research, production, media and policy-making.

Keywords: reading architecture, contexts of architecture, the Islamic-Iranian pattern of architecture, five areas of architecture.

* Corresponding author. E-mail: s.noghrehkar@gmail.com



خواندن معماری؛ چیستی، چرایی و چگونگی در جستجوی مدلی برای آشنایی با تاریخ معماری ایران و نقش آن در سپهر معماری

سلمان نقره‌کار^{۱*}، فاطمه زارعی حاجی‌آبادی^۲، فاطمه محمد گنجی^۳، احمد دانایی‌نیا^۴
 ۱. استادیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
 ۲. کارشناس ارشد معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران.
 ۳. کارشناس ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
 ۴. استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
 (تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱/۲۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۵/۱۸)

چکیده

آشنایی با «شجره‌نامه معماری ایران» و بهره‌گیری از «مبانی، اصول و الگوهای» پایدار نهفته در آن، در مرحله نخست نیازمند خواندن صحیح معماری ایران می‌باشد. در فرایند خواندن معماری با سه پرسش اصلی روبه‌رو هستیم. نخست اینکه چه چیز را بخوانیم؟ (به چه وجوه و ابعادی از معماری توجه کنیم؟). دوم اینکه چرا بخوانیم (هدف و محصول خواندن معماری چه باید باشد؟). و در نهایت چگونه بخوانیم؟ (چه مسیر و روشی برای رسیدن به هدف در پیش بگیریم؟). نوشتار پیش رو، در پژوهشی کیفی با تجزیه و تحلیل گفتارها و بیانیه‌های «پژوهشگران و طراحان» معاصر و سپس طبقه‌بندی و مدل‌سازی داده‌ها تلاش دارد راهی برای نزدیک شدن به پاسخ این سه پرسش در پیش گیرد. برای این منظور، پس از بررسی دیدگاه این دو گروه، مدلی مفهومی طراحی می‌گردد که در آن سعی شده تعریفی نسبتاً جامع از معماری ایران بر اساس علت‌های چهارگانه و بسترهای سه‌گانه مؤثر در تشکیل و تغییر معماری معرفی شود. این مدل به منزله پاسخ به «چیستی معماری» و چهارچوبی برای «چرایی و چگونگی» خواندن آن می‌باشد. سپس چرایی یا اهداف و کاربردهای خواندن معماری تبیین می‌شود. مرحله بعد به توضیح چگونگی خواندن معماری و مسیر و روش این فرایند می‌پردازد و سپس پیشنهادی در قالب یک جدول از فهرست فعالیت‌های لازم برای خواندن معماری و پیش‌بینی روش‌های انجام آن ارائه می‌گردد. در پایان نتایج و کاربردهای این پژوهش در پنج عرصه «سپهر معماری»، بیان شده است.

واژگان کلیدی

خواندن معماری، بسترهای معماری، الگوی اسلامی ایرانی معماری، سپهر معماری.

* نویسنده مسئول مکاتبات: E-mail: s.noghrekar@gmail.com

مقدمه

مستلزم مطالعه درست و جامع تاریخ معماری می‌باشد. اهمیت مطالعه شجره‌نامه معماری در بهره‌گیری از عقل و تجربه دیگر معمارانی است که این راه را پیموده‌اند و نتایج مثبت یا منفی طی طریقشان، اکنون در مقابل چشمان ما قد برافراشته یا ویران شده است.

ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که عدم آشنایی دانشجویان معماری با یک روش صحیح مطالعه در درس تاریخ معماری به‌ویژه معماری اسلامی - که می‌تواند زمینه‌ساز طراحی‌های هرچه باهویت‌تر دانشجویان باشد - موجب کاهش انگیزه و علاقه دانشجویان در این حوزه شده که نتیجه‌اش در آثار معماری آنان^۱ متبلور است. بسیاری از ایده‌پردازی‌ها در پروژه‌های اجرایی معاصر و طرح‌های ارائه‌شده در مسابقات معماری نیز (که خروجی چنین آموزشی در مدارس معماری هستند) نیاز به بازنگری در شیوه مطالعه ایشان در تاریخ معماری را یادآوری می‌کنند.

برای شناخت بهتر معماری گذشته ایران و ارزش‌های پایدار آن به گونه‌ای که به تداوم و تکامل آن‌ها در معماری امروز و فردا بیانجامد، نیازمند طی فرایندی هستیم که از آن با عنوان «خواندن معماری» یاد می‌کنیم. در طی این فرایند با سه پرسش اساسی روبه‌رو هستیم که پاسخ هرچه کامل‌تر به آن‌ها می‌تواند ما را به شناخت هرچه کامل‌تر یک اثر معماری رهنمون شود:

۱. چه چیز را باید بخوانیم؟ این پرسش به چیستی معماری و عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری آن اشاره دارد.
۲. چرا باید بخوانیم؟ این پرسش به هدف خواندن معماری اشاره دارد و اینکه محصول خواندن چه باید باشد.
۳. چگونه باید بخوانیم؟ این پرسش به روش و مسیر خواندن معماری از کشف عوامل تأثیرگذار (چیستی‌ها) تا رسیدن به اهداف و فرآورده مورد انتظار (چرایی‌ها) می‌پردازد.

«من هر چند عمر پیشینیان را یک‌جا نداشته‌ام، ولی در اعمال آن‌ها نظر افکندم، در اخبارشان اندیشه نمودم، و در آثارشان به سیر و سیاحت پرداختم، آن‌چنان که گویی همچون یکی از آن‌ها شدم، بلکه گویی من به خاطر آنچه از تجربیات تاریخ آنان دریافته‌ام با اولین و آخرین آن‌ها عمر کرده‌ام» - امام علی علیه‌السلام، نهج‌البلاغه، نامه شماره ۳۱، به امام حسن مجتبی علیه‌السلام

«عبرت» بهترین واژه در بیان اهمیت مطالعه تاریخ است؛ نگاهی که تاریخ را با عینک نقد و در جهت برداشت جنبه‌های مثبت و منفی آن برای درس‌آموزی و بهره‌گیری در زندگی امروز مردمان می‌نگرد. مطالعه «تاریخ معماری» نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود و زمانی ارزش واقعی خواهد داشت که در ترسیم نقشه راه امروز و فردای معماری ما سودمند واقع شود.

معماری پاسخی خلاقانه و حکیمانه به یک مسئله چندوجهی است و در طول تاریخ و عرض جغرافیا، معماران مختلف با سلاقی و عقاید مختلف، پاسخ‌های گوناگونی به مسئله‌های معماری داده‌اند. گاهی این پاسخ‌ها به دلیل نیازهای مشترک انسان‌ها و نیز قوانین ثابت طبیعت، دارای «وجوه مشترک» فراوانی در «موضوع و بستر» خود هستند؛ و گاه به دلیل تفاوت‌هایی که هر نسل از انسان‌ها در شرایط زمانی و مکانی خاص خود دارند و نیز تفاوت‌های اقلیمی و جغرافیایی و مکانی و... در بستر پروژه‌ها، مسئله‌های معماری دارای «وجوه تمایز» خاص خود نیز می‌باشند. بالطبع پاسخ به این مسئله‌ها نیز دارای وجوه اشتراک و افتراق خواهد بود. برخی پاسخ‌های معمارانه، گاهی به‌مرور زمان و طی تجربه تاریخی معماران، به تدریج به چنان قوام و پختگی می‌رسند که تبدیل به قوانین پایدار، سنت‌ها یا الگوهای قابل تداوم می‌شوند. کشف این الگوها و تفکیک آن‌ها از فرم‌ها و ظواهر معماری، نیازمند شناخت عمیق معماری است که خود

تحقیقات انجام شده در زمینه خواندن و فهم معماری ایران، شامل سه بخش اصلی به تفکیک سه پرسش تحقیق می‌باشد: در بخش نخست به چیستی معماری و در واقع ارائه تعریفی از معماری با نگاهی فلسفی می‌پردازیم. در بخش دوم چرایی خواندن تاریخ معماری و به‌ویژه معماری ایران بیان می‌شود و در بخش سوم که مربوط به چگونگی خواندن معماری می‌باشد، مسیر و روشی برای خواندن یک اثر معماری پیشنهاد می‌شود. در انتها نیز برخی نتایج و کاربردهای پژوهش بیان می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

اندیشمندان در هر یک از حوزه‌های مرتبط با معماری در ایران به فراخور مسئولیتی که به دوش داشته‌اند، تاکنون مطالعاتی در باب تاریخ معماری ایران انجام داده‌اند که هر کدام بر وجوه خاصی از آن تأکید داشته و روش‌های متفاوتی را برای رسیدن به هدف در پیش گرفته است. در این بخش پاسخ پرسش‌های تحقیق را در دیدگاه‌های دو گروه منبع، یعنی «پژوهشگران و طراحان» جستجو می‌کنیم تا اشاره‌ای کوتاه به دیدگاه‌های ارائه شده در این زمینه داشته باشیم.

در مورد پژوهشگران، اهمیت مطالعه صحیح معماری گذشته ایران در جهت هویت‌بخشی به معماری امروز این سرزمین موجب شده تا در سال‌های اخیر، توجه ایشان به بررسی شیوه‌های صحیح مطالعه معماری نیز برای دستیابی به هدف مذکور معطوف گردد. در این زمینه عباراتی چون «خوانش معماری»، «فهم معماری»، «نحو معماری»، «شناخت معماری» و «مطالعه معماری»، واژگانی هستند که در ادبیات این موضوع تقریباً با کاربرد یکسانی توسط نویسندگان مختلف به کار رفته‌اند. در این زمینه، نسرين گلیجانی مقدم رویکرد تاریخ‌شناسانه به معماری ایران را بیان می‌کند و آن را رویکردی می‌داند که می‌بایست مخاطب را به درک حقایقی از گذشته هدایت کند که معماری بر مبنای آن شکل گرفته است. از این رو نگاه به معماری ایران در بطن فرهنگی سنتی که بر مبنای تفکر دینی خلق شده و توجه و تذکر و ایجاد همدلی و هم‌زبانی با آن را برای درک و فهم آن ضروری

«هدف» مستقیم این نوشتار دستیابی به «مدلی برای چگونگی خواندن صحیح آثار معماری» و به‌خصوص معماری ایرانی است، به گونه‌ای که منجر به کشف ارزش‌های پایدار در معماری ایران شود. در صورت دستیابی به این موارد، یکی از زمینه‌های تحقق «الگوی اسلامی ایرانی معماری» فراهم می‌آید.^۲ بنابراین می‌توان دامنه تحقیق را مطالعه معماری ایران و محدوده آن را صرفاً بیان «فرایند خواندن» معماری بیان کرد.

ساختاری که در این نوشتار برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق طی می‌شود، پس از بیان روش تحقیق و پیشینه

۱. روش پژوهش

برای یافتن پاسخ سه پرسش در مرحله نخست دیدگاه صاحب‌نظران در باب معماری ایران و خواندن آن در دو گروه «پژوهشگران و طراحان» متناسب با پرسش‌های پژوهش از جنبه تعریف ایشان از معماری ایرانی، اهمیت و ضرورت شناخت معماری ایرانی و همچنین روش‌شناسی و نحوه خوانش معماری ایران، جمع‌آوری و دسته‌بندی می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحلیل در مورد پژوهشگران از طریق مطالعه آثار مکتوب ایشان و در مورد طراحان غالباً از طریق مصاحبه‌ها و بیانیه‌های ایشان در مورد ایده‌های طراحی آثارشان انجام گرفته است. در مرحله بعد، با استنتاج از داده‌ها، طبقه‌بندی و مدل‌سازی آن‌ها به پاسخ پرسش‌ها می‌پردازیم. لازم به توضیح است که برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش از دو روش متفاوت بهره‌گیری شده است؛ پاسخ سؤالات اول و دوم پژوهش (چیستی و چرایی خواندن معماری)، بر پایه تحلیل محتوا، استناد به دیدگاه‌های صاحب‌نظران و جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین می‌باشد و در مورد سؤال سوم (چگونگی خواندن معماری) غیر از استنباط از مطالعات انجام شده و نحوه مواجهه صاحب‌نظران عرصه معماری با تاریخ معماری ایران و نحوه خواندن آن، تجربیات سلمان نقره‌کار در تدریس «معماری اسلامی، طراحی مسکن و مجتمع مسکونی» و مطالعات میدانی که در قالب تمرین‌های آموزشی خواندن یک اثر معماری انجام می‌گرفتند نیز به‌عنوان پشتیبان پژوهش و مکمل آن ایفای نقش کرده است.

در مورد طراحان، در دوران معاصر جریان‌های فکری متعددی همچون «معماری نوگرای ایرانی» یا جریان «سنت‌گرایی» در طراحی، با رویکردی هویتی به معماری شکل گرفته‌اند و معماران بزرگی اندیشه‌های خود را در رابطه بین سنت و ارزش‌های معماری گذشته ایران و معماری معاصر این سرزمین در طرح‌های خود بازتاب داده‌اند. برخی تعلق به اصالت‌های معماری خودی دارند و به روش‌های گوناگونی به آن نزدیک شده‌اند و برخی نیز دل در گرو معماری غیر دارند که موضوع بحث ما نیست. در این نوشتار به‌طور مختصر دیدگاه‌های گروهی از طراحان مورد توجه قرار گرفته است که ایده‌هایشان در طراحی با نگاه به سنت معماری ایرانی بوده و لاجرم معماری ایران را به طریقی خوانده و به آن پرداخته‌اند.^۵

برداشت‌های نگارندگان از مطالعه نظرات اندیشمندان (پژوهشگران و طراحان) در ادامه و در قالب سه پرسش تحقیق ارائه خواهد شد.

۳. «چیستی» معماری

نخستین گام در فهم یک پدیده شناخت اجزای سازنده و عوامل تأثیرگذار بر آن است. در این تحقیق نیز پرسش از چیستی معماری در واقع پرسش از عناصر و عواملی است که یک اثر معماری را شکل می‌دهند یا در پدید آمدن آن ایفای نقش می‌کنند. داشتن تعریفی مشخص از معماری با تمام ابعاد آن، ما را به یافتن پاسخ این پرسش رهنمون می‌شود که در مسیر خواندن معماری چه چیز را باید بخوانیم و چه وجوهی را باید در نظر بگیریم.

در باب چیستی معماری، تعاریف گوناگونی ارائه شده است؛ از تعاریف کوتاه و تمثیلی همچون «معماری، ظرف زندگی»^۶ و «معماری، لباس دوم انسان»^۷ تا تعاریفی نسبتاً کامل‌تر که اثر معماری را در کنار پدیدآورنده، هدف و بستر آن می‌بینند. نخستین موضوعی که در بسیاری از تعاریف معماری مطرح شده است مربوط به «شکل معماری» می‌شود که از آن با عناوینی چون خلق فضا (Taghavainejad Memarian 1984؛ Saremi and Radmard 1997؛ Deylami 1984 and Esmaily 2014)، سازماندهی آگاهانه فضا (2002)

می‌داند. این رویکرد می‌بایست وجه شناخت را در تاریخ معماری ایران اصل قرار دهد، شناختی که بر مبنای فهم معماری ایران و زمینه‌های فرهنگی و تاریخی آن و نیز بر مبنای روش کیفی و تحلیلی شناخت از لحظه شکل‌گیری اثر معماری و مراحل تشکیل و تغییر آن باشد. گلیجانی اصل جامع‌نگری را در فرایند خواندن تاریخ معماری واجد اهمیت می‌داند که می‌بایست هم در تفسیر موضوعات، هم در گزینش آثار و هم در به‌کارگیری امکانات، تخصص‌ها و منابع مورد توجه قرار گیرد (Golijani Moghaddam 2007).

محمدرضا حائری، علیرضا ملکوتی و شبنم اسماعیلی روش شناخت معماری ایران را در سه گروه دانشی گونه‌شناسی (مربوط به وجوه مرئی و مادی)، معناشناسی (مربوط به وجوه نامرئی و معنوی) و انسان‌شناسی (نسبت وجوه مرئی و نامرئی اثر معماری) مورد مطالعه قرار داده‌اند (and Esmaily and Malakooti 2014). محمدمنصور فلامکی در کتاب «اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی» به منظور شناخت صحیح معماری ایران، توجه به مؤلفه‌های شناخت و بررسی شاخه‌های آمیختگی را ضروری می‌داند (Falamaki 2012). نادیه ایمانی و مهدیه مؤمنی در مقاله‌ای به تحلیل معیارها و مراتب فهم اثر معماری بر مبنای رویکردهای شناخت اثر در نظریه‌ها و پارادایم‌های معاصر (نظریه تاریخ‌نگاری معماری، نظریه‌های فرمی و زیبایی‌شناسانه، نظریه‌های ساختارگرا و نظریه‌های پساساختارگرای پدیدارشناسانه) پرداخته‌اند (Imani and Momeni Renani 2012). غلامحسین معماریان (Memarian 2002) در مقاله «نحو فضای معماری»^۸، به توضیح و نقد یکی از روش‌های خواندن و تحلیل فضای معماری که توسط صاحب‌نظران انگلیسی در اوایل دهه هفتاد معرفی شد پرداخته است که با شناخت الگوهای ارتباطات فضایی، روابط اجتماعی افراد مصرف‌کننده آن‌ها را شناسایی می‌کند. غیر از پژوهش‌هایی که به‌طور ویژه به روش خواندن و فهم معماری پرداخته‌اند، مطالعات تاریخ معماری ایران که خود خوانش معماری محسوب می‌شوند نیز منابع مناسبی برای تکمیل چارچوب نظری پژوهش فراهم می‌آورند که برای به دست دادن داده‌های قابل استفاده، نیازمند روش‌های تحلیل محتوا می‌باشند.^۹

چپستی معماری، مدل «علت‌های چهارگانه ارسطویی» را مبنای مدل‌سازی قرار داده‌ایم. به نظر می‌رسد این مدل که مورد تأیید اندیشمندان مسلمانی همچون ابن‌سینا و ملاصدرا نیز می‌باشد، بخش عمده‌ای از تعاریف ارائه‌شده از معماری را دربرمی‌گیرد. پیش‌تر نیز پژوهشگرانی از جمله عبدالحمید نقره‌کار (Noghrekar 2008) و نادیه ایمانی (Imani 2012) and Momeni Renani در زمینه معماری از این مدل برای بیان چپستی معماری استفاده کرده‌اند. بر مبنای این نگرش، پدیده «معماری» همچون تمامی پدیده‌های عالم، معلول علت‌هایی چهارگانه برای تشکیل یا تغییر آن در طول زمان است. این علل شامل «علت غایی، فاعلی، صوری و مادی» می‌شوند. در بررسی اثر معماری از این منظر، معمار، علت فاعلی آن، مصالح و مواد علت مادی آن، هندسه و شکل، علت صوری آن و هدفی که اثر معماری درصدد برآوردن آن است (به طور کلی برآوردن نیاز انسان)، علت غایی اثر معماری محسوب می‌شود. اما علاوه بر این علت‌ها، معماری همواره در تعاملی دوسویه با محیط اطراف و ویژگی‌های زمان و مکان خود تشکیل می‌شود و تغییر می‌یابد (زندگی می‌کند)؛ بنابراین برای شناخت بهتر معماری شناخت بسترهای آن نیز در کنار علت‌های چهارگانه ضروری می‌نماید. «بستر مکانی یا بوم» به عنوان عامل مادی^۸ تأثیرگذار بر اثر معماری، شامل بسترهای سه‌گانه «طبیعی، انسانی و کالبدی» می‌شود. به عبارتی برای شناخت صحیح یک اثر معماری، می‌بایست ارتباط معماری با «بستر انسانی»، جامعه، فرهنگ و هنر، آداب و رسوم زندگی و... نحوه ارتباط معماری با «بستر طبیعی»، اقلیم، هوا، زمین و... نحوه ارتباط معماری با «بستر کالبدی»، تعامل تک بنا با بافت اطراف، پاسخگویی به نیازهای کالبدی و... و همچنین نحوه پاسخ دادن معماران به تعامل سه بستر «انسانی، طبیعی و کالبدی» در یک نگاه کل‌نگر و سیستمی مورد بررسی قرار گیرد.^۹

یادآور می‌گردد که این بسترهای دو مرحله بر شکل‌گیری معماری اثر می‌گذارند که در خواندن معماری می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. یک بار به صورت مستقیم، مثلاً بستر طبیعی (اقلیم) که ضوابطی را برای معماری هر بوم

یا بازآفرینی عادلانه فضا با عوامل مادی و صوری (Noghrekar 2008) یاد شده است. موضوع دیگر «هدف معماری» است؛ این فضای خلق‌شده بر مبنای آرمان‌ها و متناسب با نیازهای مادی و روحی انسان‌ها، در جهت کمال آن‌ها (Noghrekar 2008) و به منظور دربرگرفتن فعالیت‌های معین و برای پاسخ‌گویی به خواسته‌های استفاده‌کنندگان (Soltanzadeh 2011) پدید می‌آید، به طوری که عملکرد مطلوب یک بنا می‌تواند تعیین‌کننده فرم آن نیز باشد (Taghavaeinejad Deylami 1984). موضوع دیگر در تعریف معماری به «پدیدآورنده» آن مربوط می‌شود؛ معماری آمیخته‌ای از علم و هنر و مهارت‌های خاص است (Omranipour 2005) و ایده‌ها و ارزش‌هایی را بیان می‌کند که آشکارسازنده هستی‌شناسی هویت و فرهنگی می‌شوند که معمار بدان تعلق دارد (Nadimi 2006). بنابراین بینش، دانش و مهارت‌های پدیدآورندگان معماری نیز در محصول نهایی اثرگذار خواهد بود.

علاوه بر این، عواملی نیز در «زمینه‌های» شکل‌گیری معماری وجود دارند که آن را از بیرون تحت تأثیر قرار می‌دهند. معماری از یک طرف متأثر از خواست‌های انسان و فرهنگ اوست و از طرف دیگر متأثر از شرایطی که انسان در آن زندگی می‌کند. عامل تعیین‌کننده دیگر، وسایل و امکانات از مصالح و تکنیک گرفته تا علم استفاده از آن‌هاست. عوامل اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز گاهی به صورت ریشه‌های تعیین‌کننده وسایل در اختیار معمار و گاهی به صورت عوامل مؤثر در خصوصیات و خواست‌های انسان در شکل‌گیری معماری تأثیر می‌گذارند (Golijani Moghaddam 2007). معماری، همانند درخت، از آب و خاک و نسیمی که بر آن می‌وزد تأثیر می‌پذیرد (Falamaki 1992) و بر اساس طبیعت سرزمین، شیوه زندگی و فرهنگ معنایی شکل می‌گیرد (Haerimazandarani, and Esmaily 2014). این زمینه‌ها نیز در شناخت معماری می‌بایست مورد توجه قرار گیرند.

۴. تعریف معماری در این تحقیق

در این تحقیق در طبقه‌بندی مطالعات انجام‌شده و توضیح

جدول ۱: دسته‌بندی کلیدواژه‌هایی از دیدگاه پژوهشگران و طراحان در زمینه چستی معماری

Table 1: Assortment of scholars' opinions on architecture definition

چستی معماری			علت‌ها		
کالبدی	انسانی	طبیعی	صوری و مادی	غایی	فاعلی
امکانات فنی	ارزش‌ها	بوم	نظم و سازماندهی	آرمان‌ها	معمار
فناوری	شیوه زندگی	آب و خاک	علائم بصری	کارکرد ویژه	سرمایه‌گذار
محیط مصنوع	فرهنگ معنایی	طبیعت سرزمین	بیان	مصرف‌کننده	سازنده
بافت	فرهنگ	زمین	اجزا و عناصر	نیازهای مادی و	ایده‌ها
	هویت	قوانین علمی	شکل و فرم	روحي	اندیشه
	هستی‌شناسی		مصالح	کمال انسان	خلاقیت
	هنر		سرپناه و ساختمان	عملکرد مطلوب	مهارت
			هندسه و اندازه	فعالیت	فن
			تندیس	بهره‌بردار	
			زیبایی‌شناسی		

کلیدواژگان

چهارگانه است که در بستر مکان و زمان شکل می‌گیرد؛ بنابراین در خواندن معماری سه وجه «زمان»، «مکان» و «کاربری (اثر معماری)» می‌بایست در کنار هم مورد بررسی قرار گیرند.^{۱۱} نمودار منعکس در تصویر ۱ بیانگر مطالب فوق است.

با توجه به مدل ارائه‌شده، برای توضیح چستی معماری ایرانی می‌توان علت‌های شکل‌گیری معماری را در بسترهای طبیعی، انسانی و کالبدی ایران در طول زمان مد نظر قرار داد. با این ترتیب، شاید بتوان چکیده‌گفته‌های پیشین در تعریف معماری را به‌طور ویژه برای معماری ایرانی به شرح زیر خلاصه کرد. به میزانی که هر یک از این عوامل برخاسته از سرزمین ایران باشند صفت «ایرانی بودن» را می‌توان به آن نسبت داد:

«معماری ایرانی» عبارت است از «مواد» و مصالح ایرانی (بوم‌آورد در مناطق مختلف ایران) که توسط «معمار ایرانی» (مجموعهٔ پیش، منس، دانش و مهارت او) برای برآوردن «نیاز انسان‌های ایرانی» و زمینه‌سازی رشد آنان، در «بسترهای سه‌گانهٔ انسانی (فرهنگ، اقتصاد، حکومت و...)، طبیعی (اقلیم و جغرافیا) و کالبدی (فناوری ساخت بومی) ایرانی، به شکل «صورت‌های ایرانی» (هندسه و کهن‌الگوهای ایرانی) درمی‌آید.

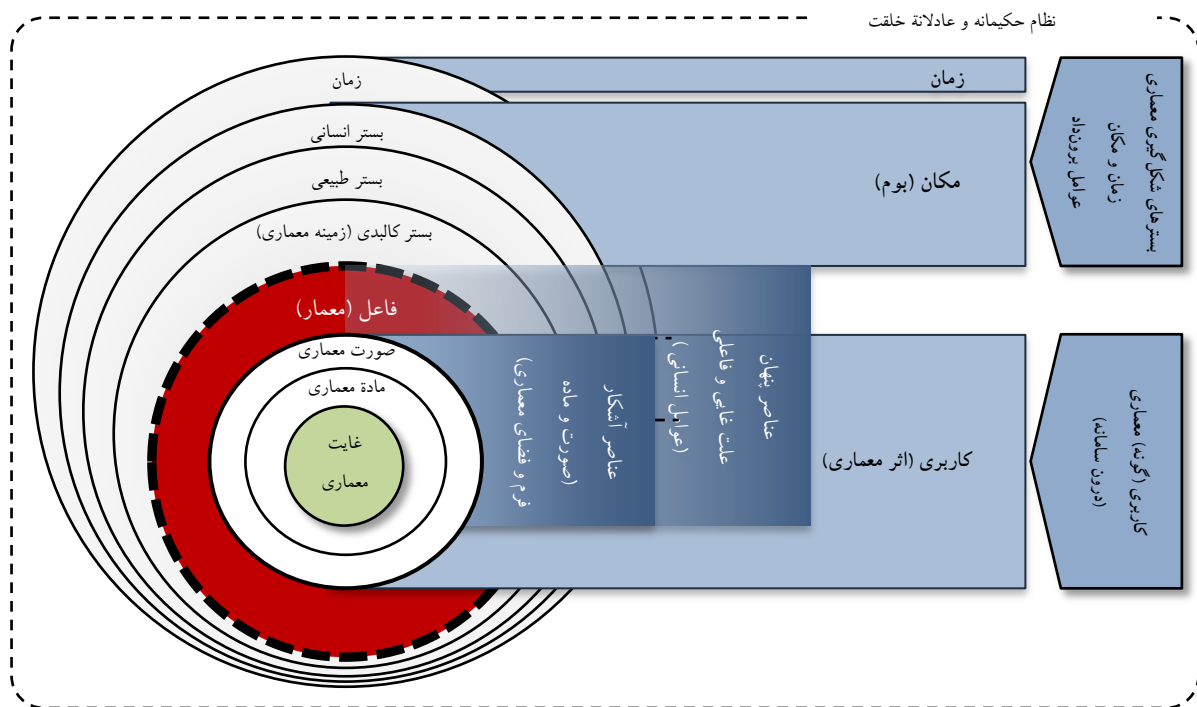
در مقیاس کلان تا خرد معماری (سطوح ده‌گانهٔ تصمیم‌گیری معماری) منجر می‌شود؛ و بار دیگر به‌طور غیرمستقیم، مثلاً تأثیری که بستر طبیعی بر شیوهٔ زندگی یا مزاج و طبع بهره‌برداران دارد (تأثیر بستر طبیعی بر بستر انسانی) و نیز تأثیری که بستر طبیعی بر نوع مواد و مصالح بومی منطقه دارد (تأثیر بستر طبیعی بر بستر کالبدی). در واقع این بسترهای سه‌گانه سامانه‌ای یگانه را تشکیل می‌دهند که برای شناخت آن غیر از شناخت هر یک از اجزا، بررسی رابطهٔ آن‌ها با یکدیگر نیز از اهمیت برخوردار است.^{۱۲} این کل واحد را در این نوشتار «بوم» می‌نامیم.

گزیدهٔ محتوایی که در بخش چستی معماری از دیدگاه پژوهشگران و طراحان مورد مطالعه قرار گرفته، به صورت کلیدواژه و مطابق ساختار مدل پیشنهادی، در جدول ۱ ارائه می‌شود.

با نگاهی سامانه‌ای، علت‌های چهارگانه در نقش عناصر اصلی «درون‌زا» در شکل‌دهی به اثر معماری و بسترهای سه‌گانه عوامل «برون‌داد» یا مداخله‌گر می‌باشند.

۵. مدلی برای خواندن معماری ایرانی

بر اساس توضیحات بالا، معماری پدیده‌ای معلول علت‌های



تصویر ۱: مدل پیشنهادی برای «خواندن معماری ایرانی»: زمان-مکان-کاربری
 Fig. 1: The preproposed model for “reading Iranian architecture”: time-space-function

۶. چرایی خواندن معماری

الگوها بوده است؛ برای نمونه، یافتن الگوهای درون‌گرا و برون‌گرای مسکن (Memarian 2008) و (Memarian 1993)، انواع الگوهای ورودی (Soltanzadeh 1999)، مسجد (Zomarshidi 1995) و کاروانسرا (Kiani 2000). در برخی موارد نیز خود فرم‌ها و نقوش و امکان کاربرد آن‌ها به همان شکل اهمیت می‌یابند؛ مثلاً کاربردی‌ها، هندسه، نقش و خط و آرایه‌ها (Bozorgmehri 1992)، (Raeiszadeh and Mofid 1995؛ 1983؛ 1991؛ Maherolnaghsh 1991؛ Maherolnaghsh 1995). بنابراین درس‌گرفتن از تاریخ معماری شامل درک مبانی، اصول، الگوها، روش‌ها و فرم‌هایی است که معمار برای پاسخ‌گویی به مسائل مشابه مورد استفاده قرار داده است. اما بهره‌برداری از محصول خواندن تاریخ معماری در آثار معماری امروز، پس از کشف این مبانی، نیازمند پیمودن مسیر مشق معماری نیز می‌باشد. مشق یعنی به‌کاربردن اصول، الگوها، روش‌ها و فرم‌ها در قالبی متناسب با بسترها، نیازها و امکانات فنی امروز. در واقع هدف، یافتن راهکارهای هم‌نشینی مفاهیم سنتی با معماری مدرن و معماری پایدار بومی است (احمدی، نقل از Beheshti 2010)، به طوری که

مسئله بعدی پس از روشن شدن چپستی معماری، هدف از خواندن معماری است. اینکه محصول نهایی خواندن معماری چه باشد و چه کاربردی داشته باشد، ما را به روش درست خواندن رهنمون می‌شود. در غالب مطالعات انجام‌شده، هدف اساسی از خواندن معماری ایران، درس‌آموزی به معنای آشنایی با نظریه‌ها و نحوه مواجهه دیگر معماران با اثر معماری (Imani and Momeni Renani 2012) و بازگویی ارزش‌هاست. این ارزش‌ها در برخی موارد به مبانی بنیادین، غیرشکلی و خارج از حبس زمان معماری اشاره دارند؛ چیزی که آن را اصول معماری (Falamaki 2012)، ارزش‌های پایدار در معماری (Saremi and Radmard 1997)، هنجار معماری (Omranipour 2005)، سرشت یگانه معماری (Nadimi 2006) یا روح معماری (Azimi HasanAbadi 2013) نیز می‌نامند. در برخی موارد این ارزش‌ها، الگوهای طراحی و روش‌های معمارانه‌ای را شامل می‌شوند که طراحان در مواجهه با بسترها و نیازهای پروژه اتخاذ کرده‌اند. در بسیاری از پژوهش‌ها و مطالعات معماری ایران، هدف کشف این

جدول ۲: دسته‌بندی کلیدواژه‌هایی از دیدگاه پژوهشگران و طراحان در زمینه چرایی خواندن معماری
Table 2: Assortment of experts opinion on the necessity of reading architecture

چرایی خواندن معماری		
مشق (کاربرد دانش حاصل از خواندن)	درس (کسب دانش حاصل از خواندن)	
	الگوها، روش‌ها و فرم‌ها (آشکار)	مبانی و اصول (نهان)
مؤلفه‌های قابل تداوم	الگوها	اصول معماری
احیای بافت‌های تاریخی	نحوه مواجهه دیگران	ارزش‌های پایدار غیرشکلی
ساختمان‌سازی بومی روستایی	سبک‌شناسی	هنجار
الگوگیری برای طرح‌های امروز	گونه‌شناسی	روح معماری
معماری جهان‌شمول امروز	طراحی و ترسیم نقوش و آرایه‌ها	کشف روابط اجتماعی
الهام‌بخشی		شناخت تاریخ
بیان استعاری مفاهیم به شیوه مدرن		اندازه‌های سرزمینی
بیان تجریدی مفاهیم		آرمان‌های جاویدان
معمار امروز		
حرکت درست در حال و آینده		

کلیدواژه

۷-۱. مسیر خواندن معماری

بر مبنای مطالب فوق، مسیر خواندن آثار معماری طبق وجوه سه‌گانه (زمان، مکان، کاربری) مستلزم طی فرایندی تحلیلی و نقادانه خواهد بود که نیازمند طی پنج گام زیر می‌باشد:

گام اول این مسیر، توصیف درست است. یعنی شناخت درست علت‌های چهارگانه (درون‌سامانه) و بسترهای مؤثر بر تشکیل و تغییر اثر معماری (برون‌سامانه)، در زمان و مکان مشخص؛ شاید بتوان این مرحله را کشف چستی بنا، عناصر درونی و عوامل بیرونی آن دانست. بیشتر مطالعات انجام‌شده در تاریخ معماری ایران (مطالعات تاریخی، سبک‌شناسی و باستان‌شناسی) به این مرحله از خواندن معماری پرداخته‌اند. یکی از بزرگ‌ترین نقاط قوت پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه، گستره مستندات و توصیفاتی از بناهای معماری ایران است که در اختیار پژوهشگران آینده برای مطالعات ژرف‌تر قرار می‌دهند. اما این مستندات و توصیفات تا رسیدن به اصول معماری ایرانی همچنان نیازمند تجزیه و تحلیل هستند. گام دوم، تحلیل آثار معماری و بررسی وجوه مشترک و تفاوت‌های آن‌هاست. باید به این نکته توجه داشت که خواندن تک‌بناها بر اساس مدل ارائه‌شده در بخش چستی معماری، تنها بخشی از فرایند مطالعه با نگاه تحلیلی و

به خلق معماری ایرانی و جهان‌شمول امروز بینجامد (اعتصام، نقل از Azimi HasanAbadi 2013).

گرفته‌ای از محتوای مطالعه دیدگاه پژوهشگران و طراحان در زمینه چرایی خواندن معماری به صورت کلیدواژه و طبقه‌بندی‌شده بر اساس ساختار مدل پیشنهادی، در جدول ۲ آمده است.

در واقع اهداف اصلی در خواندن معماری را می‌توان در مرحله نخست درس‌آموزی از معماری (به معنای کسب دانش حاصل از خواندن) و در مرحله بعد مشق معماری (به معنای کاربرد دانش حاصل از خواندن در معماری امروز) بیان کرد.

۷. چگونگی خواندن معماری

همان‌گونه که گذشت، چگونگی نگاه به معماری و وجوه و ابعاد گوناگون آن به تعریف ما از معماری و هدف ما از بررسی آن بستگی دارد (چستی و چرایی آن). این بخش از پژوهش به بیان مسیر و روشی اختصاص دارد که پژوهشگر را از شناخت چستی‌ها (علت‌ها و بسترهای معماری) و چرایی‌ها به چگونگی خوانش معماری (درس و مشق معماری) می‌رساند.

و مبانی مطرح شده در کتاب «درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی» اثر عبدالحمید نقره‌کار (Noghrekar 2008) اشاره کرد.

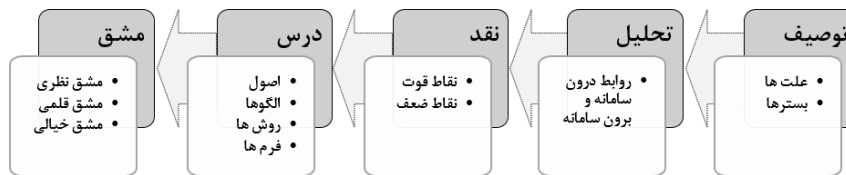
گام پنجم، مشق معماری و نقطه شروع کاربرد آن در طراحی بناهای جدید از طریق تداوم و تکامل اصول و الگوهای پیشین است. اصول و الگوهای پایدار در معماری به‌مثابه پاسخ‌هایی هستند که برای یک مسئله طراحی در طول زمان در یک مکان یا برای یک کاربری خاص جوابگو بوده‌اند و معماران می‌توانند آن‌ها را سرمشق قرار دهند. مشق در تمامی هنرها و از جمله معماری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اقسام گوناگون دارد. برای توضیح بیشتر در این باره می‌توان از دسته‌بندی انواع مشق در هنر خوشنویسی ایران وام گرفت که به نظر به حوزه معماری و حتی سایر هنرها قابل تعمیم است. در هنر خوشنویسی مشق بر سه قسم است: مشق نظری، قلمی و خیالی (Esfahani 2012). در مشق نظری تنها با نگاه کردن به آثار اساتید فن درستی شکل‌ها و ترکیب‌ها در اندیشه هنرجو نقش می‌بندد و او را با کیفیات روحانی آن آشنا می‌کند. در مشق قلمی هنرآموز صرفاً به تقلید سرمشق استاد به همان شکل می‌پردازد؛ این کار او را با اصول و فنون هنر استاد آشنا می‌سازد و دست و دل او را هنر ارزشمند همراه می‌کند. هنرآموز تنها پس از طی این مراحل و رسیدن به تسلط کافی است که می‌تواند در مشق خیالی دست به خلاقیت و ابتکار بزند و به مرحله استادی برسد و صاحب تصرف شود.^{۱۲} در معماری نیز پیمودن چنین روندی در آموزش و طراحی قابل تصور است. طراح پس از مشق نظری و قلمی معماری ایرانی که با «خواندن معماری ایران» میسر است، بر مبانی، اصول، الگوها، روش‌ها و فرم‌های این معماری اشراف می‌یابد و آنگاه است که می‌تواند در مشق خیالی خویش، معماری ایران را متناسب با زمانه گامی به پیش برد.

بدین ترتیب فرایند خواندن معماری از «توصیف» عناصر درون‌سامانه‌ای و عوامل برون‌سامانه‌ای معماری (که در بخش چستی معماری بدان پرداخته شد)، شروع می‌شود و پس از «تحلیل» و «نقد» این اطلاعات به فهم «درس»‌هایی از معماری خواننده شده می‌انجامد که می‌تواند از طریق «مشق» کردن در

الگویاب به معماری ایرانی می‌باشد. هر اثر معماری «کاربری» ویژه‌ای دارد (مجموعه علت‌ها) که در «مکان» (مجموعه بسترها) و «زمان» خاصی شکل گرفته است. این سه وجه عمده آثار معماری (کاربری، مکان و زمان) هر یک می‌توانند در مقام وجه مشترک گروهی از آثار معماری، مبنای پژوهش‌هایی در این زمینه قرار گیرند و جهت‌گیری خاصی به روش خواندن و مقایسه آنان ببخشند. برای مثال می‌توان نوع کاربری را ثابت فرض کرد و به مقایسه گونه‌های مشابه آن کاربری در مکانی خاص یا بررسی سیر تحول آن گونه در زمان پرداخت؛ یا اینکه مکان را ثابت در نظر گرفت و از مقایسه گونه‌های مختلف معماری در مکان خاص و یافتن وجوه اشتراک و افتراق، تأثیر بستر مکانی را مورد بررسی قرار داد. در واقع تحلیل به معنای کشف روابط درون‌سامانه‌ای (علت‌ها) و برون‌سامانه‌ای (بسترهای مکانی و زمانی) اثر معماری با یکدیگر و در مجموع در قالب یک کل واحد است. شاید بتوان این مرحله را کشف چگونگی و کم و کیف اجزا و روابط درونی و بیرونی بنا نام نهاد. از مصادیق چنین پژوهش‌هایی در معماری ایران، می‌توان کتب «خانه، فرهنگ، طبیعت» (Haerimazandarani, 2009)، «مسجد در معماری ایران» (Zomarshidi 1995)، «معماری مسکونی، گونه‌شناسی درون‌گرا» (Memarian 2008) و «معماری مسکونی، گونه‌شناسی برون‌گرا» (Memarian 1993) را نام برد.

گام سوم، نقد و ارزیابی است؛ به معنای تشخیص نقاط قوت و ضعف و نکات مثبت و منفی آموزنده برای طراحی امروز و آینده. در واقع در نقد معماری به سنجش میزان دستیابی بنا به اهداف (غایت) معماری مورد نظر می‌پردازیم.

گام چهارم، درس به معنی دستیابی به «مبانی، اصول، الگوها، روش‌ها و فرم‌هایی» برای طراحی است؛ که در واقع محصول طی مراحل قبل می‌باشد. اگر گام‌های پیشین به درستی پیموده شده باشند، قاعدتاً محقق را به نتایجی برای طراحی رهنمون خواهند شد. کشف این اصول، به‌منزله رسیدن به هدف «خواندن» می‌باشد. از مثال‌های پژوهش‌هایی که به این مرحله از خواندن معماری دست یافته‌اند می‌توان به اصول معماری ایرانی پیرنیا (Pirnia 2008)، کتاب «اصل‌ها و خوانش معماری» از محمدمنصور فلامکی (Falamaki 2012)



تصویر ۲: نمودار مسیر خواندن معماری

Fig. 2: Steps of reading process

۲- مرحله حضور، به روش مطالعه میدانی و با هدف خواندن معماری از طریق حضور در بنا و درک و کشف ویژگی‌های کالبدی و معنایی آن و مقایسه تطبیقی عناصر مشابه با یکدیگر در آثار مختلف انجام می‌گیرد. این مرحله درک درست و همه‌جانبه‌ای از ویژگی‌های صوری و معنایی اثر معماری (سیرت و صورت اثر) و نیز ارتباط آن با بسترهای پیرامونی آن به محقق می‌دهد و امکان تحلیل مؤثرتر و نقد صحیح‌تر بنا را فراهم می‌آورد. روش ادراک و کشف کیفیات مکان در این مرحله را به ترتیب می‌توان شامل: سکوت و حضور و درک بنا توسط همه حواس پنجگانه (مشق نظری)، کروکی و مشق کردن (مشق قلمی)، تصویربرداری و هم‌فکری با پژوهشگران دانست. همچنین در این مرحله می‌توان با روش‌های پرسشنامه یا مصاحبه از ساکنان یا شهروندان پیرامون بنا یا دست‌اندرکاران اداره مجموعه نیز اطلاعات مفیدی به دست آورد.

۳- مرحله پس از حضور، شامل طبقه‌بندی و جمع‌بندی یافته‌ها، مقایسه، تحلیل و نقد نهایی و کشف روابط برون‌سامانه‌ای و درون‌سامانه‌ای اثر معماری است که به صورت گزارش مستندی تدوین می‌گردد. یادآور می‌شود که فرایند پنج‌مرحله‌ای خواندن معماری (شامل «توصیف، تحلیل، نقد، الگویابی و مشق») می‌بایست هم در مطالعات کتابخانه‌ای پیش از بازدید و هم در مطالعات میدانی، در حین بازدید نیز طی شود. همچنین ممکن است محقق در این مرحله نیازمند بازگشت و تکمیل مراحل پیشین نیز باشد.

برای ایجاد تصویر روشن‌تر و کاربردی‌تری از مدل پیشنهادی، فرایند و روش ارائه‌شده برای خواندن معماری ایران، یک فهرست بررسی (checklist) از فعالیت‌هایی که شایسته است در مسیر خواندن یک اثر معماری انجام گیرد، در جدول ۳ پیشنهاد شده است.

طراحی امروز به کار گرفته شود. نقطه آغازین مسیر خواندن معماری «شناخت عوامل درونی و بیرونی بنا» و نقطه پایانی آن «درس و مشق معماری» است. نمودار زیر مراحل پیشنهادی فرایند خواندن معماری را به طور خلاصه بیان می‌کند.

۲-۷. روش خواندن معماری

برای رسیدن به اهداف پیش‌گفته در خواندن معماری، می‌بایست تمهیداتی اندیشیده شود که مسیر از توصیف تا مشق معماری به درستی طی شود. در این بخش حاصل تجربیات نویسندگان در تدریس و پژوهش، همراه با استنباط از روش تحقیق پژوهشگران پیشین در قالب روشی عملیاتی برای خواندن یک اثر معماری که ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است پیشنهاد می‌شود که شامل سه مرحله «پیش از» حضور در بنا، «حین» حضور و «پس از» حضور است:

۱- مرحله پیش از حضور، شامل مطالعات کتابخانه‌ای است که با هدف زمینه‌سازی و آمادگی ذهنی برای بازدید انجام می‌شود. این مطالعات تمام اطلاعات مربوط به شناخت عام بنا، گونه‌شناسی و عناصر و الگوهای خاص کاربری آن را دربرمی‌گیرد، به علاوه هر آنچه که مربوط به خود بنا می‌شود از علت‌های درونی تا بسترهای شکل‌گیری آن و توصیفات و تحلیل‌های ارائه‌شده توسط صاحب‌نظران و همچنین مطالعه عکس‌ها و نقشه‌ها و اسناد موجود از بنا و... منابع مفید در این مرحله، کتاب‌ها و مقالات گونه‌شناسانه با موضوع گونه مورد نظر، سفرنامه‌ها، وقف‌نامه‌ها و... هستند. در این مرحله بخشی از اطلاعات مورد نیاز به دست می‌آید و بخش دیگر نیز پرسش‌های کمابیش مشخصی هستند که قرار است محقق در بازدید میدانی و مطالعات تکمیلی پاسخ آن‌ها را بیابد. حاصل این مرحله، گزارشی است از یک بنا شامل دو بخش کلی یعنی یافته‌ها و پرسش‌ها.^{۱۳}

جدول ۳: چگونگی خواندن معماری - ترکیب مسیر و روش پژوهش که می‌تواند به عنوان فهرست بررسی گام‌به‌گام کار استفاده شود.

Table 3: A checklist of reading process and methods

روش خواندن معماری										
ردیف	هدف	نوع تحقیق	محصول بررسی	مسیر بررسی یک گونه معماری (با هدف کشف اصول و الگوهای ساماندهی آن)	روش تحقیق	منابع تحقیق	علوم مرتبط	هدف (پاسخ): کشف مبانی، اصول، روش‌ها و الگوهای یک گونه معماری خاص در بوم مورد نظر + تداوم و تکمیل آن متناسب با شرایط روز		
۱- جمع‌بندی	شناخت عام بنا	بررسی کتابخانه‌ای	الگوها	وجه مشترک آن کاربری بطور عام	سیر تحول آن نوع بنا (در طول تاریخ و عرض جغرافیا)	تاریخی-تفسیری	کتاب و مقاله	جمع‌بندی	هدف (پاسخ): کشف مبانی، اصول، روش‌ها و الگوهای یک گونه معماری خاص در بوم مورد نظر + تداوم و تکمیل آن متناسب با شرایط روز	
					فضاها و عناصر اصلی آن گونه معماری؛ روابط بین عناصر و فضاها	گونه‌شناسی				
					بررسی مستقیم نمونه‌ها (حداقل ۵ نمونه) و مقایسه تطبیقی آن‌ها	میدانی	عکس و نقشه			
					مطالعه نظر صاحب‌نظران دربار آن گونه معماری (حداقل ۵ مقاله)	جمع‌آوری و طبقه‌بندی	کتاب و مقاله			
					گونه‌شناسی مقدماتی	جمع‌بندی	اندیشه‌ورزی			
					اصول معماری (کمی و کیفی) بیشتر از جنس نظری	کتاب و مقاله				
					الگوهای معماری (کمی و کیفی) بیشتر از جنس نمونه کالبدی	عکس و نقشه				
۲- جمع‌بندی	شناخت خاص بنا	توصیف	بررسی برون‌سامانه‌ای	بستر انسانی	فرهنگ، اقتصاد، حکومت، دین، آداب و سنن، هنرها، هنجارها و ...	سفرنامه، مردم‌شناسی	جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی	جمع‌بندی	هدف (پاسخ): کشف مبانی، اصول، روش‌ها و الگوهای یک گونه معماری خاص در بوم مورد نظر + تداوم و تکمیل آن متناسب با شرایط روز	
				بستر طبیعی	اقلیم خرد و کلان، عوارض طبیعی ویژه (کوه، رود، باد و ...)	جغرافیا، محیط‌زیست	جغرافیا، محیط‌زیست			
				بستر کالبدی	کشور، شهر؛ علت شکل‌گیری، سیر تحول، نظام محله‌بندی (و علت‌های شکل‌گیری چنین نظامی، تاریخ، سیر تحول و ...)، محله و بافت آن، همجواری	شهرسازی، مدیریت شهری	شهرسازی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری			
				تعامل درون با برون						
				علت فاعلی	معمار، بانیان، دست‌اندرکاران	وقف‌نامه، فتوت‌نامه	جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی			
				علت غایی	هدف و کارکرد بنا، نیازها، بهره‌برداران					
				علت صوری و مادی	مکان‌یابی، معماری، معماری داخلی، جزئیات، سازه، تأسیسات مصالح و ...	اسناد فرادست، برداشت میدانی	اسناد فرادست، برداشت میدانی			
				تحلیل	نحوه تعامل بنا با «بسترهای» سه‌گانه					
					نحوه تعامل عناصر و اجزای درونی بنا در پاسخ به نیازها و اهداف «موضوع» و مأموریت آن کاربری؛ مثلاً داستان ورودی و فضای واسط درون- بیرون؛ نسبت‌ها و تناسبات در جزء و کل؛ سیرکولاسیون و حرکت؛ هندسه‌های عبوری، حضوری و مکث؛ نحوه ارتباط انسان با «خدا، خویش، جامعه (خانواده، مهمان، همسایه و...) و طبیعت در معماری					
					فقد	موفقیت نسبی بنا در راهبرد طراحی «مبتنی بر اصول و متناسب با شرایط» یا «مبتنی بر موضوع پروژه (هدف/مأموریت آن) و متناسب با بسترها»، یا مبتنی بر آرمان‌ها و متناسب با واقعیت‌ها	تحلیل و گفت‌وگو و راهنمایی استاد			
					توس	مبانی				
اصول	بایدها-نبایدهای معماری									
الگوها	الگوهای فضایی- کالبدی پاسخده									
روش‌ها	راهکارهای ممکن									
فرم‌ها	زبان مشترک معماری یک بوم									
مشق	مشق نظری	خوب دیدن								
	مشق عملی	تکرار و تقلید								
	مشق خیالی	تداوم و تکمیل								
هدف (پاسخ): کشف مبانی، اصول، روش‌ها و الگوهای یک گونه معماری خاص در بوم مورد نظر = هدف و مسئله تحقیق										

۸. بحث در خصوص یافته‌ها

خواندن صحیح معماری ایران لازمه آشنایی و بهره‌گیری از تجربیات تمدن و فرهنگ گذشتگانمان برای صورت‌بخشی به معماری هرچه باهویت‌تر و ارزشمندتر امروز و فردای این سرزمین است. هدف اصلی این نوشتار جستجو برای یافتن «فرایند صحیح خواندن معماری ایران» بود به گونه‌ای که در هویت‌بخشی به معماری امروز کاربرد داشته باشد. برای این منظور با رجوع به پژوهش‌های پیشین و شناخت روش‌هایی که صاحب‌نظران این حوزه برای خواندن معماری پیش گرفتند و جمع‌بندی، توسعه و تکمیل آن، سعی شد مدلی برای خواندن معماری پیشنهاد شود. برای این منظور ابتدا تعریفی از معماری بر مبنای دو وجه درونی و بیرونی: «علت‌های شکل‌گیری (مادی، صوری، غایی و فاعلی)» اثر معماری و «بسترهای شکل‌گیری (بسترهای طبیعی، انسانی و کالبدی)» آن ارائه شد. بر این مبنای، در خواندن معماری ایران می‌بایست به مطالعه عوامل درون‌زای شکل‌گیری معماری (علت‌ها) و عوامل برون‌داد مؤثر بر آن (بسترها) به طور مرتبط پرداخته شود. تمامی این عوامل می‌توانند بر مبنای وجوه سه‌گانه «کاربری، مکان و زمان» با سایر آثار مورد مقایسه و تحلیل قرار گیرند تا وجوه اشتراک و تفاوت‌های آن‌ها در یک مکان خاص، در یک دوره زمانی خاص یا مربوط به یک کاربری خاص، ما را به الگوهای پایدار در معماری این سرزمین رهنمون شود. برای رسیدن به این هدف پیمودن فرایندی پنج‌مرحله‌ای شامل «توصیف، تحلیل (کشف روابط)، نقد (نقاط

قوت و ضعف)، کشف الگوها و مشق معماری» به روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی پیشنهاد می‌شود. روش عملی کار شامل سه بخش «پیش از بازدید، حین بازدید و پس از بازدید» است. خروجی حاصل از این پژوهش از چند منظر با پیشینه تحقیق قابل مقایسه است که شاید بتوان ادعا کرد حاصل تجربیات ایشان را یک قدم به سمت کاربرد نزدیک‌تر کرده است. در مورد علت‌ها و ریشه‌های معماری، تمامی عواملی که صاحب‌نظران (با درجات اهمیت متفاوت) برشمرده‌اند، در مدل پیشنهادی مد نظر قرار گرفته است، به علاوه نگاه همه‌جانبه و جامع که تمام عوامل را هم‌زمان در یک منظومه بنگرد و بتواند تمامی پژوهش‌ها در این زمینه را کمابیش دربرگیرد. در مورد فرایند خواندن معماری، علاوه بر آنکه همچون نظرات پژوهشگران و طراحان، مراحل توصیف و تحلیل مورد توجه قرار گرفته، بر اهمیت نقد و ارزیابی نقاط مثبت و منفی و نیز مشق معماری نیز تأکید شده و در مدل پیش‌بینی شده است. لازم به ذکر است در خواندن صحیح معماری عوامل دیگری همچون «نقش پژوهشگر، روحیات او، پیش‌زمینه‌های ذهنی و شهود و سلوک و اهلیت او در ادراک اثر معماری» تأثیرگذارند که اندیشمندانی چون محمدمنصور فلامکی، مهدی حجت و کامبیز حاجی قاسمی به درستی به آن اشاره کرده‌اند. اما چون هدف این مقاله ارائه مدلی کاربردی است که مورد استفاده همگان قرار گیرد، به وجوه بیرونی ملموس پرداخته‌ایم و پرداختن به موضوع فوق را به تحقیقات آینده موکول می‌کنیم.

نتیجه‌گیری

▪ در بخش آموزش معماری، علاوه بر آموزش چگونگی مواجهه با یک بنا، می‌توان از «پازل پژوهشی» در درس‌های تاریخ معماری بهره جست. مثلاً در درس «آشنایی با معماری اسلامی» می‌توان بخش‌هایی از پازل را به عنوان تمرین پژوهشی دانشجویان در نظر گرفت و حاصل کار را به صورت کتاب یا سند مستقل معنادار

به‌طور کلی، زمینه‌های فعالیتی گوناگون «سپهر معماری» را که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با این رشته در کشور در ارتباط می‌باشند و می‌توانند در رسیدن به الگوی اسلامی-ایرانی معماری تأثیرگذار باشند، می‌توان در پنج عرصه دسته‌بندی کرد. در این بخش به کاربردهای مدل حاصل از این پژوهش در هر یک از این عرصه‌ها اشاره می‌شود:

رسانه‌های معماری قرار دهد؛ به‌گونه‌ای که نگاه کاربردی معمارانه را جایگزین نگاه نوستالژیک و باستان‌شناسانه و صرفاً توصیفی کند. همچنین مجلات علمی معماری می‌توانند با استفاده از این مدل، هر شماره خود را به‌صورت موضوع‌محور به یک بخش تخصصی اختصاص دهند.

- در زمینه طراحی و تولید فرآورده معماری می‌تواند به عنوان الگویی برای نحوه مشق معماری ایران توسط طراحان قرار بگیرد تا به تدریج معماری و شهرسازی در ایران به اصالت‌های خود بازگردد.
- در بخش سیاستگذاری و مدیریت، مطالعه تاریخ به‌منزله بهره‌گیری از عقل و تجربه گذشتگان در مواجهه با مسئله‌های مشابه، همواره می‌تواند برای مدیران راهگشا باشد.

نشر داد. نیز در درس‌های طراحی معماری می‌توان «مشق معماری» یک بوم را با دانشجویان تمرین کرد. از سویی در درس‌های دوره کارشناسی ارشد همچون «سیر اندیشه‌های معماری» و «حکمت هنر اسلامی»، این مدل می‌تواند منجر به فهم بهتر دانشجویان از سنت معماری ایران شود.

- در زمینه پژوهش‌های معماری، این مدل می‌تواند به عنوان پازلی پژوهشی ارائه‌دهنده عرصه‌های مطالعاتی در زمینه معماری ایرانی باشد و نیز می‌تواند در جهت سازماندهی، همگرایی و هم‌افزایی پژوهش‌ها مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان نمونه می‌توان در بنیادها و نهادهای دانشنامه‌نگاری از این منظومه بهره جست.
- در زمینه رسانه و نقد معماری می‌تواند منظومه‌ای از ابعاد معماری ایران را برای نقد و تحلیل ساختارمند در اختیار

پی‌نوشت‌ها

۱. عدم بهره‌گیری دانشجویان از اصول معماری ایرانی در طراحی، از دغدغه‌های اصلی نگارنده اول (سلیمان نقره‌کار) به‌عنوان مدرس طراحی، در آموزش دروس طراحی بوده است. لازم به توضیح است که وی از سال ۱۳۸۰ به‌عنوان مدرس طراحی و به موازات آن از سال ۱۳۸۹ مدرس درس معماری اسلامی بوده است.
۲. از این منظر، «خواندن معماری ایران» یکی از مقدمات ضروری برای تمدن‌سازی در عرصه معماری و شهرسازی می‌باشد.
3. Space syntax
۴. در این مقاله آثار پژوهشگرانی از جمله پیرنیا، حاجی قاسمی، قیومی بیدهندی، حائری، تقوی‌نژاد دیلمی، نصر، نقره‌کار، ندیمی، بهشتی، فلامکی، قبادیان، سلطان‌زاده، زمرشیدی، کیانی، بزرگمهری، معماریان، لرزاده و ماهرالنقش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.
۵. بدیهی است که طراحی معماری بر مبنای هویت ایرانی دغدغه بسیاری از طراحان معاصر بوده است اما در این مقاله، گروهی از ایشان مورد بررسی قرار گرفته‌اند که ایده‌هایشان در این زمینه منتشر شده و شناخته شده هستند. از آن جمله‌اند: اردلان، کلاتری، اعتصام، فروغی دیبا، صارمی، شیخ زین‌الدین، میرمیران، احمدی و حجت.
۶. از درس‌گفتارهای دکتر مهدی حجت
۷. از درس‌گفتارهای دکتر هادی ندیمی
۸. شایسته است به «بستر ماورایی» یک اثر معماری نیز به عنوان عامل غیرمادی تأثیرگذار اشاره شود. این بخش که مربوط به نظام حکیمانه خلقت و قوانین حاکم بر آن است، نیازمند بررسی مستقلی است و مداخله در آن از بضاعت انسان‌های عادی خارج است؛ لذا در این نوشتار صرفاً به بررسی بستر مکانی معماری می‌پردازیم که از طرف انسان قابل مداخله است.
۹. سلیمان نقره‌کار در مقاله‌ای دیگر تعریفی از معماری از این منظر ارائه کرده است (نقره‌کار ۱۳۹۲).
۱۰. طبق نظریه گشتالت، اثر کلیت یک پدیده چیزی بیش از جمع جبری اجزای آن است.
۱۱. مخفف این سه عامل (زمان، مکان، کاربری) را به اختصار «زَمَک» می‌نامیم.
۱۲. برگرفته از رساله آداب المشق باباشاه اصفهانی با سپاس از راهنمایی آقای دکتر قیومی بیدهندی.
۱۳. مطالبی که آقای دکتر غلامحسین معماریان درباره «نحو معماری» فرموده‌اند و نیز مطالبی که آقای کامبیز حاج‌قاسم درباره مفهوم

معماری اسلامی و راه فهم آن (مجله صفا شماره ۵۲) نوشته‌اند، با این بخش سنخیت دارد.

فهرست منابع

- اصفهانی، باباشاه. ۱۳۹۱. *آداب المشق*. تهران: پیکره.
- ایمانی، نادیه، و مهدیه مؤمنی رنانی. ۱۳۹۰. تحلیلی بر روش، مراتب و پیامدهای فهم اثر معماری. *نامه معماری و شهرسازی* ۸: ۲۳-۳۶.
- بزرگمهری، زهره. ۱۳۷۱. *هندسه در معماری*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- بهشتی، سید محمد. ۱۳۸۹. *مهندسی ایرانی*. ماهنامه آیین ۲۸: ۵-۱۵.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۷. *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. تهران: سروش دانش.
- تقوی‌نژاد دیلمی، محمدرضا. ۱۳۶۳. *معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان*. تهران: فرهنگسرا.
- حائری مازندرانی، محمدرضا، علیرضا ملکوتی، و شبنم‌السادات اسماعیلی. ۱۳۹۲. روش شناخت چنددانشی معماری خانه‌های تاریخی ایران، نمونه موردی بررسی ۸۷ خانه تاریخی در شش شهر کشور. *نامه معماری و شهرسازی* ۱۲: ۱۱۷-۱۳۳.
- حائری، محمدرضا. ۱۳۸۸. *خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه*. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، دفتر معماری و طراحی شهری.
- رئیس‌زاده، مهناز، و حسین مفید. ۱۳۷۴. *احیای هنرهای از یاد رفته: مبانی معماری سنتی در ایران به روایت استاد حسین لرسزاده*. تهران: مولی.
- زمرشیدی، حسین. ۱۳۷۴. *مسجد در معماری ایران*. تهران: کیهان.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۹۰. *تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران*. تهران: چهارطاق.
- . ۱۳۷۸. *فضاهای ورودی در معماری سنتی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- صارمی، علی‌اکبر، و تقی رادمرد. ۱۳۷۶. *ارزش‌های پایدار در معماری ایرانی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- عظیمی حسن‌آبادی، علیرضا. ۱۳۹۲. *اندیشه معماران معاصر ایران*. تهران: فرهنگ صبا.
- عمرانی‌پور، علی. ۱۳۸۴. *هنر و معماری اسلامی ایران: یادنامه استاد دکتر لطیف ابوالقاسمی*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری سازمان عمران و بهسازی شهری.
- فلامکی، محمدمنصور. ۱۳۹۱. *اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی*. تهران: مؤسسه علمی فرهنگی فضا.
- . ۱۳۷۱. *معماری در تجارب ایران و غرب*. تهران: نشر فضا.
- کیانی، محمدیوسف. ۱۳۷۹. *معماری ایران (دوره اسلامی)*. تهران: سمت.
- گلیجانی مقدم، نسرين. ۱۳۸۶. *تاریخ‌شناسی معماری ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ماهرالنقش، محمود. ۱۳۷۰. *خط بنایی*. تهران: سروش.
- . ۱۳۶۲. *طرح و اجرای نقش در کاشی‌کاری ایران دوره اسلامی*. تهران: موزه رضا عباسی.
- معماریان، غلامحسین. ۱۳۷۲. *معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی برون‌گرا*. تهران: سروش دانش.
- . ۱۳۸۷. *معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی درون‌گرا*. تهران: سروش دانش.
- . ۱۳۸۱. *نحو فضای معماری*. صفا ۳۵: ۷۵-۸۳.
- ندیمی، هادی. ۱۳۸۵. *کلیک دوست: ۱۰ مقاله در هنر و معماری*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- نقره‌کار، سلمان. ۱۳۹۲. *معماری «معماری» بر مبنای «اندیشه اسلامی»: پیشنهاد مدلی برای نحوه بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام در معماری*. در مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، دفتر دوم، ۴۳۱-۴۴۵. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

- Azimi HasanAbadi, Alireza. 2013. *The thought of Iranian contemporary architects*. Tehran: Farhang-e Saba. [in Persian]
- Beheshti, S. Mohammad. 2010. Iranian engineering. *Aeen Journal* 28: 5–15. [in Persian]
- Bozorgmehri, Zohreh. 1992. *Geometry In architecture*. Tehran: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Iran. [in Persian]
- Esfahani, Babashah. 2012. *Adab al-mashgh*. Tehran: Peykareh. [in Persian]
- Falamaki, M. Mansour. 1992. *Architecture in the experiences of Iran and the West*. Tehran: Faza. [in Persian]
- . 2012. *Principles and the reading of Iranian architecture*. Tehran: Faza publication. [in Persian].
- Golijani Moghaddam, Nasrin. 2007. *Hostoriology of the architecture of Iran*. Tehran: Tehran University press. [in Persian].
- Haeri Mazandarani, Mohammadreza. 2009. *House, culture, nature*. Tehran: Ministry of Rouds and Urban Development. [in Persian]
- Haeri Mazandarani, Mohammadreza, Alireza Malakooti, and Shabnamsadat Esmaily. 2014. The methodology for understanding architecture based on several kinds of related bodies of knowledge towards realization of the contemporary architecture of Iran; Case studies: 87 historical houses in 6 cities of Iran. *Jurnal of Architecture and Urban Planning* 12: 117–33. [in Persian]
- Imani, Nadieh, and Mahbubeh Momeni Renani. 2012. A survey on the method, procedures and consequences of understanding architectural works. *Jurnal of Architecture and Urban Planning* 8: 23–36. [in Persian]
- Kiani, MohammadYousef. 2000. *Iranian architecture (Islamic period)*. Tehran: Samt. [in Persian]
- Maherolnaghsh, Mahmoud. 1991. *Architecture calligraphy*. Tehran: Soroush. [in Persian]
- . 1983. *Design and implimentation of tiling patterns in architecture of Iran*. Tehran: Museum of Reza Abbasi. [in Persian]
- Memarian, Golamhosein. 2002. Architectural space syntax. *Soffe* 35: 75–83. [in Persian]
- . 1993. *Residential architecture of Iran, Extrovert typology*. Tehran: Soroush Danesh. [in Persian]
- . 2008. *Residential architecture of Iran, Introverted typology*. Tehran: Soroush Danesh. [in Persian]
- Nadimi, Hadi. 2006. *Friend's Pen*. Isfahan: Farhang Organization Of Isfahan. [In Persian]
- Salman, Noghrekar. 2013. Architecturing an "Architecture" based upon Islamic thoughts: Proposing a model for the use of Islamic doctrines in architecture. In *Proceedings of the Second national Conference Islamic Architecture and Urbanism*, vol. 2, 431–445. Tabriz: Tabriz Islamic Art University.
- Noghrekar, Abdolhamid. 2008. *An introduction to Islamic identity in architecture and urbanism*. Tehran: Iran Ministry of Roads And Urban Development. [in Persian]
- Omranipour, Ali. 2005. *The Islamic art and architecture of Iran*. Tehran: Iran Ministry of Roads and Urban Development. [in Persian]
- Pirnia, Mohamadkarim. 2008. *Iranian architecture stylistics*. Tehran: Soroush-e Danesh. [in Persian]
- Raeiszadeh, Mahnaz, and Hosein Mofid. 1995. *Revival of forgotten arts*. Tehran: Mola. [in Persian]
- Saremi, Aliakbar, and Taghi Radmard. 1997. *Sustainable values In Iranian architecture*. Tehran: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Iran. [in Persian]
- Soltanzadeh, Hosein. 2011. *Breaaf history of city and urbanity in Iran*. Tehran: Chahartagh. [in Persian]
- . 1999. *Entry spaces in the traditional architecture of Iran*. Tehran: Cultural Research Bureau. [in Persian]
- Taghavainejad Deylami, Mohammadreza. 1984. *Architecture, urbanism And urbanity of Iran through the ages*. Tehran: Farhangsara. [in Persian]
- Zomarshidi, Hosseiin. 1995. *Mosque in architecture of Iran*. Tehran: Keihan. [in Persian]